

صلاحیت‌های حرفه‌ای مربی تربیت دینی: ارائه چارچوبی همسو با حکمت ۱۴۷ نهج‌البلاغه

روح الله شهریار*

دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۱۲/۱۵

حسن نجفی**

پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۸/۲۶

چکیده

عوامل زیادی در فرایند تربیت دینی مداخله می‌کنند، یکی از این عوامل مداخله‌گر، مربی است. اهمیت مربی در این فرایند به قدری است که می‌توان تربیت را رابطه هدف‌مند دوسویه مربی - متری نامید. از این جهت، پاسخ به این مسئله که مربی چه صلاحیت‌های حرفه‌ای باید داشته باشد تا بتواند نقش و کارکرد خود را به درستی ایفا کند؟ می‌تواند ما را در کسب نتیجه مطلوب از فرایند تربیت و تحقق اهداف تربیتی یاری رساند. بدین جهت، در این پژوهش با نگاه تحلیلی - استنباطی و با مدنظر قراردادن حکمت ۱۴۷ نهج‌البلاغه که دلالت‌هایی در این رابطه دارد، به پاسخ مسئله پژوهش پرداخته و صلاحیت‌های حرفه‌ای مربی تربیت دینی را در دو طیف علمی و عملی شناسایی کرده‌ایم. طیف علمی صلاحیت‌هایی چون "اخذ، انتقال و مراقبت" بوده و طیف عملی صلاحیت‌هایی مانند سلبی (استیکال، استکبار، عدم ژرف‌اندیشی، لذت‌گرایی، ثروت‌اندوزی) و ثبوتی (خداگرایی، معرفت یقینی، صبر و استقامت و شهامت) را دربرمی‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: تربیت دینی؛ مربی؛ صلاحیت‌های حرفه‌ای؛ دانش بومی؛ حکمت ۱۴۷ نهج‌البلاغه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* نویسنده مسئول: دانش آموخته کارشناسی ارشد مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربی

roohollah127@gmail.com

** دکتری مطالعات برنامه درسی دانشگاه علامه طباطبائی (ره)

hnajafih@yahoo.com

مقدمه

یکی از کلمات قصار امیرالمؤمنین (ع) در کتاب شریف نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷ است (صبحی صالح، ۱۴۱۴ق: ۴۹۶). معارف زیادی در این کلام نورانی نهفته است و از جنبه‌های مختلفی می‌توان بدان نگریست. علامه مجلسی در عظمت این کلام نورانی می‌گویند «سزاوار است که آگاهان، هر روز در این کلام با نظر موشکافانه بنگرند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ۱۹۴). این حکمت از سه قسمت عمده تشکیل شده است. ابتدا اقسام مردم از حیث بهره‌مندی از علم و دانش بیان شده و در ادامه، به مقایسه علم و ثروت پرداخته شده است. در بخش دوم ابتدا به معرفی افرادی پرداخته شده است که به علت وجود رذائلی در شخصیتشان نمی‌توانند شایسته دریافت علوم و معارف موجود در سینه مبارک حضرت علی (ع) باشند و در ادامه، از افرادی سخن به میان می‌آورند که چنین صلاحیت‌هایی دارند و در بخش سوم که در حکم نتیجه‌گیری از این حکمت را دارد، از این افراد به‌عنوان «داعیان الی‌الله» نام می‌برند. با نگاهی به صدر و ذیل حکمت و ملاحظه جهت صدور و نیز دلالت‌های آن به نظر می‌آید تمام بیانات حضرت حول محور همین مفهوم اخیر یعنی «الدُّعَاءُ إِلَى دِينِهِ» بیان شده است. این افراد در مرتبه اول، خود حضرات معصومین (ع) هستند و در مرتبه بعد به حکم صریح روایات، کسانی هستند که سنت و سیره ایشان را جهت تربیت انسان‌ها به کار گیرند. روزی پیامبر اکرم (ص) دعا کردند: اللَّهُمَّ ارحم خلفائی: «خداوندا بر جانشینان من رحمت آور» و این دعا را سه بار تکرار فرمودند. از ایشان سؤال شد که مراد شما از جانشینان چه کسانی هستند؟ فرمودند: الَّذِينَ يَأْتُونَ بَعْدِي، يَرْوُونَ حَدِيثِي وَ سُنَّتِي... ثُمَّ يَعْلَمُونَهَا أُمَّتِي: کسانی که پس از من می‌آیند، حدیث و سنت مرا روایت می‌کنند و آنها را به امت من می‌آموزند» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۷: ۹۱). «دعاه الی‌الله» می‌تواند معادل تربیت دینی باشد؛ چراکه این تعبیر به معنای سوق دادن مترقی به سمت قرب الهی است که هدف غایی تربیت است و لذا لازم است سایه آن بر تمام اهداف واسطه‌ای تربیت و هریک از شئون انسان افکنده شود (باقری، ۱۳۸۹: ۸۱). بدین جهت، هر کس تلاشی هدف‌دار به منظور آموزش معارف دینی در مترقی صورت دهد، مصداق دعاه الی‌الله است و به‌عنوان مربی تربیت دینی شناخته می‌شود (داوودی ۱۳۸۶: ۲۶). از آنجا که ایفای چنین نقشی، چنانکه حضرت در همین حکمت اشاره کرده‌اند در گرو کسب صلاحیت‌هایی است، معرفی برخی از صلاحیت‌های حرفه‌ای مربی تربیت دینی را در این مقاله مدنظر قرار داده‌ایم. بدیهی است

علاوه بر دلالت‌های صریح موجود در این حکمت، از اشارات، دلالت‌های ضمنی و التزامی کلام امام (ع) نیز بهره جسته‌ایم.

در این کلام نورانی امیرالمؤمنین (ع) آنچه محورهای اساسی این پژوهش در تحلیل و استخراج دلالت‌های تربیت دینی آن را تشکیل می‌دهد، موارد ذیل است: تعابیر «النَّاسُ ثَلَاثَةٌ فَعَالِمٌ رَبَّانِيٌّ وَ مُتَعَلِّمٌ عَلَى سَبِيلِ نَجَاةٍ وَ هَمَّجٌ»؛ «إِنَّ هَاهُنَا لِعِلْمًا جَمًّا لَوْ أَصَبْتَ لَهُ حَمَلَةً» و «يَحْفَظُ اللَّهُ بِهِمْ حُجَجَهُ وَ بَيِّنَاتِهِ حَتَّى يُودِعُوهَا نُظْرَاءَهُمْ وَ يَزْرَعُوهَا فِي قُلُوبِ أَشْبَاهِهِمْ»، می‌تواند مؤید مراحل تربیت دینی و ترتیب منطقی آنها باشد. بدین معنا که «داعی الی الله» باید اولاً، خود عالم باشد؛ ثانیاً، معارف الهی را به شیوه درست تعلیم دهد؛ ثالثاً، آنچه را انتقال داده است، بارور کند تا تبدیل به شاکله متربی شود. تعابیر «قائم لله»؛ «بِحُجَّةٍ»؛ «ظَاهِرًا مَشْهُورًا»؛ «خَائِفًا مَعْمُورًا»؛ «لِنَلَا تَبْطُلَ حُجَجُ اللَّهِ وَ بَيِّنَاتُهُ»، بیانگر محورهای اجرای عملیات تربیت، یعنی زمینه‌سازی، استفاده از روش‌های عقلانی و بهره‌گیری از روش‌های عاطفی است. همچنین برخی عبارت‌های امام (ع) درباره افرادی است که به علت ضعف‌های شخصیتی و رذائل اخلاقی نمی‌توانند داعی الی الله باشند. می‌فرمایند:

«أَصَبْتُ لِقِنَا غَيْرِ مَأْمُونٍ عَلَيْهِ مُسْتَعْمِلًا آلَةَ الدِّينِ لِلدُّنْيَا وَ مُسْتَظْهِرًا بِنِعْمِ اللَّهِ عَلَى عِبَادِهِ وَ بِحُجَجِهِ عَلَى أَوْلِيَائِهِ أَوْ مُنْقَادًا لِحَمَلَةِ الْحَقِّ لَا بَصِيرَةَ لَهُ فِي أَحْوَاثِهِ يَنْقَدِحُ الشُّكُّ فِي قَلْبِهِ لِأَوَّلِ عَارِضٍ مِنْ شُبُهَةٍ أَلَا لَأَ ذَا وَ لَأَ ذَاكَ أَوْ مِنْهُومَا بِاللَّذَّةِ سَلِسَ الْقِيَادِ لِلشَّهْوَةِ أَوْ مَغْرَمًا بِالْجَمْعِ وَ الْإِدْخَارِ لَيْسَا مِنْ رِعَاةِ الدِّينِ فِي شَيْءٍ أَقْرَبُ شَيْءٍ شَبِهًا بِهِمَا الْأَنْعَامُ السَّائِمَةُ». در آخر بیاناتشان نیز از افرادی با ویژگی‌های خاص و ممتاز سخن به میان می‌آورند که می‌توانند رسالت مربیگری دینی را ادا کنند: «اللَّهُمَّ بَلَى لَأَ تَحْلُو الْأَرْضُ مِنْ قَائِمٍ لِلَّهِ بِحُجَّةٍ إِذَا ظَاهِرًا مَشْهُورًا وَ إِذَا خَائِفًا مَعْمُورًا لِنَلَا تَبْطُلَ حُجَجُ اللَّهِ وَ بَيِّنَاتُهُ وَ كَمْ ذَا وَ أَتَيْنَ أَوْلِيكَ أَوْلِيكَ وَ اللَّهُ الْأَقْلُونَ عَدْدًا وَ الْأَعْظَمُونَ عِنْدَ اللَّهِ قَدْرًا يَحْفَظُ اللَّهُ بِهِمْ حُجَجَهُ وَ بَيِّنَاتِهِ حَتَّى يُودِعُوهَا نُظْرَاءَهُمْ وَ يَزْرَعُوهَا فِي قُلُوبِ أَشْبَاهِهِمْ هَجَمَ بِهِمُ الْعِلْمُ عَلَى حَقِيقَةِ الْبَصِيرَةِ وَ بَاشَرُوا رُوحَ الْيَقِينِ وَ اسْتَلَّوْا مَا اسْتَوْعَرَهُ الْمُتَرَفُّونَ وَ أَنَسُوا بِمَا اسْتَوْحَشَ مِنْهُ الْجَاهِلُونَ وَ صَحِبُوا الدُّنْيَا بِأَبْدَانِ أَرْوَاحِهَا مُعَلَّقَةً بِالْمَحَلِّ الْأَعْلَى أَوْلِيكَ خُلَفَاءَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ الدُّعَاةَ إِلَى دِينِهِ»، مجموعه این دو فراز اخیر محور بحث صلاحیت‌های روان‌شناختی و اخلاقی مربی است.

ضرورت بررسی صلاحیت‌های مربی تربیت دینی از آن جهت است که تربیت دینی فرایندی پیچیده از تدارک شرایط مختلف است. بر این اساس، عوامل متعددی در این فرایند مداخله می‌کنند و کارکردها و نقش‌های متعددی از حیث تأثیرگذاری دارند. از جمله عوامل مداخله‌گر در فرایند

تربیت دینی، عامل مربی است. در اندیشه دینی، نقش مربی در این فرایند دارای اهمیت زیادی است، به گونه‌ای که قرآن کریم به صراحت به پذیرش مربیگری افرادی دستور می‌دهد که صلاحیت‌های لازم را کسب کرده‌اند. «أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدَاهُمْ أَقْتَدِهِ؛ اینان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده است، پس به هدایت آنان اقتدا کن» (انعام/۹۰). درباره ضرورت مراجعه به عالمان و هدایت‌یافتگان به حق و پیروی از آنها و نکویش تبعیت از ناهلان و هدایت‌نا یافتگان، نیز می‌فرماید: «أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ؟ پس آیا کسی که به سوی حق رهبری می‌کند سزاوارتر است مورد پیروی قرار گیرد یا کسی که راه نمی‌یابد مگر آنکه هدایت شود؟» (یونس/۳۵). به علاوه، گرایش و مراجعه به کسانی که دانش لازم را درباره آنچه ما بدان نیاز داریم، دارند، یک اصل عقلانی و فطری است و چندان نیازمند دلیل نیست (مصباح یزدی، ۱۳۸۸: ۴۳).

پژوهش‌های پراکنده نسبتاً گسترده‌ای معطوف به موضوع مربی انجام شده است؛ از جمله: کهو کهر (۱۳۸۴) در پژوهشی، به بررسی «ویژگی‌های مربی در اسلام» پرداخته و مفاهیمی مانند امانتداری، صداقت، شکیبایی، خویش‌ننداری، سعه صدر، رازداری و شجاعت را به عنوان ویژگی‌های مربی تبیین نموده است. در پژوهش دیگری موسوی‌نسب (۱۳۹۰) اقدام به «طراحی و تبیین الگوی عمومی تربیت دینی بزرگسالان در قرآن با تأکید بر وظایف مربی» کرده و الگویی پنج مرحله‌ای شامل: کسب صلاحیت، ایجاد ارتباط، دعوت به نگرش توحیدی، دعوت به زندگی دینی و ارزشیابی و تداوم تربیت را پیشنهاد می‌کند تا مسیر کاری مربی دینی سامان یابد. شبیری (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «بررسی عناصر نقش مربی در ایجاد طلب و شوق در انتخاب‌گری انسان برمبنای آیات قرآن و روایات و در وادی عمل، برای کودکان» در پاسخ به پرسش مبانی نقش مربی در ایجاد انتخاب همراه با انگیزه و طلب برمبنای آیات و روایات اسلامی، به دو صفت کلیدی مربی در انتخاب‌گری انسان یعنی صاحب و معیت پرداخته و عناصر نهفته در عملکرد مربیان قرآنی را تبیین نموده است. بهروز و توسلی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «تقدم تزکیه بر تعلیم و انعکاس آن در ویژگی‌های مربی و معلم از دیدگاه اسلام»، ابتدا به چرایی تقدم تزکیه بر تعلیم پرداخته و در ادامه به تبیین تفاوت مربی و معلم از دیدگاه اسلام اشاره نموده، همچنین به بیان تأثیر تقدم تزکیه بر تعلیم بر ویژگی‌های معنوی و اخلاقی مربی از دیدگاه آیات و روایات پرداخته‌اند. همان‌گونه که مشخص است این پژوهش‌ها غالباً به صفات اخلاقی و معنوی مربی اشاره کرده‌اند و از سایر ویژگی‌های

حرفه‌ای مانند صلاحیت‌های علمی غفلت ورزیده‌اند. همچنین کارکردها و سطوح مداخله تربیتی، شیوه‌ها و فنون القای معارف تربیتی نیز مورد غفلت قرار گرفته است. به علاوه مطالعه متمرکز و استنتاجی از آیات و یا روایات صورت نگرفته و صرفاً به دلالت‌های مطابقی کلام اکتفا شده است. از همین جهت، این پژوهش برای جبران این خلأها انجام شده است تا در پرتو آن با مطالعه متمرکز بر یکی از سخنان معصومین (ع) بتواند صلاحیت‌های حرفه‌ای مربی تربیت دینی را اعم از علمی، عملی و فرایندی استنباط کند. بدیهی است با توجه به گستردگی سطوح تأثیرگذاری و مداخله مربی در تربیت دینی پی‌جویی و ترسیم این سه مؤلفه می‌تواند بخش مهمی از فرایند تربیت در دستیابی به اهداف مدنظر را هموار کند. بر همین اساس، در پژوهش حاضر ضمن مراجعه به حکمت ۱۴۷ نهج‌البلاغه، به شناسایی چارچوبی از صلاحیت‌های حرفه‌ای مربی در فرایند تربیت دینی اقدام می‌شود.

مبانی نظری

تربیت

واژه "تربیت" در زبان فارسی به معنای «پروردن یا پروراندن، آداب و اخلاق را به کسی آموختن و آموختن کودک تا هنگام بالغ شدن» آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷، مدخل تربیت، معین، ۱۳۸۲، ج ۱: ۱۰۶۳). تربیت در زبان عربی مصدر باب "تفعیل" و برای آن دو ریشه بیان شده است: الف. "رب" به معنای مالک شیء (الجوهری، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۱۵۴)، حضانت و سرپرستی (فراهیدی، ۱۴۰۸ق، ج ۱: ۶۴۰)، آقا، مدبر، مربی، سرپرست (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۲: ۴۵۹)، نعمت‌دهنده (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۵: ۹۵)، مصلح و پدیدآوردن یک چیز به تدریج و مرحله‌به‌مرحله تا اینکه به مرحله کمال و پایانی خود برسد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق: ۳۳۶). ب. "ربو" به معنای زیادشدن (مصطفوی، ۱۴۱۶ق، ج ۴: ۳۳) و رشد نمودن است. این واژه به معنای تغذیه نمودن (انیس و همکاران، ۱۳۸۷، ج ۱: ۳۲۶)، بالا رفتن و قد کشیدن، تهذیب نمودن و پرشدگی درونی (مصطفوی، ۱۴۱۶ق، ج ۴: ۳۳) نیز آمده است. البته برخی از نویسندگان، ریشه سوم را نیز برای تربیت بیان نموده‌اند که عبارت است از "رباً". ولی از نظر معنا، بین "رباً" و "ربو" تفاوت چندانی وجود ندارد، زیرا "رباً" نیز مانند "ربو" به معنای زیادشدن در جسم است، منتها برخی آن را

افزایش در طول دانسته‌اند (مصطفوی، ۱۴۱۶ق، ج ۴: ۳۴). تربیت، در اصطلاح نیز عبارت است از «فعالیتی هدف‌مند و دوسویه میان مربی و متربی به‌منظور کمک به متربی در راستای تحقق بخشیدن به قابلیت‌های وی و پرورش شخصیت او در جنبه‌های گوناگون فردی، اجتماعی، جسمی، عاطفی، اخلاقی و عقلانی و...» (بناری، ۱۳۸۳: ۶۹).

تربیت دینی

واژه «تربیت دینی» به‌عنوان یک حوزه مطالعاتی در تربیت اسلامی از دهه هفتاد شمسی وارد مباحث تربیتی کشور شده است (داوودی، ۱۳۸۸). با توجه به نوظهوری این واژه، درباره معنا و قلمرو آن وحدت‌نظری بین اندیشمندان وجود ندارد. چنانکه بنا بر نظر برخی محققان (اعرافی، ۱۳۹۳) اختلاف نظر فاحشی درباره آن وجود دارد. معنای موردنظر از تربیت، دین و ترکیب «تربیت دینی» از جمله عوامل مؤثر بر تعریف تربیت دینی هستند. در یک تعریف از تربیت دینی گفته شده است: «تربیت دینی، مجموعه اعمال عمدی و هدفدار به‌منظور آموزش گزاره‌های معتبر یک دین به افراد دیگر است به‌نحوی که آن افراد در عمل به آن آموزش‌ها متعهد و پایبند شوند» (داوودی، ۱۳۸۶: ۲۶). ماهروزاده (۱۳۹۲) هم اعتقاد دارد که تربیت دینی، فرایندی است که ضمن آن تلاش می‌شود تا با بهره‌گیری از آموزه‌های دینی، زمینه‌ای فراهم شود که متربی در جهت رشد و شکوفایی استعدادهای فطری و دینی گام بردارد. صادق‌زاده قمصری نیز بر آن است که تربیت دینی هرگونه فعالیت هدف‌مندی است که در نظام آموزش و پرورش کشور به‌منظور تقویت ایجاد شناخت و باور به معارف دینی، گرایش به ارزش‌ها و هنجارهای دینی و التزام عملی به احکام و دستورات دینی، طراحی شده است. در سند معرفی گرایش تربیت دینی مربوط به مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) (۱۳۸۶) تشریح شده است که تربیت دینی به‌منزله یک ترکیب می‌تواند بر دو معنا دلالت کند. الف. تربیتی که منسوب به دین است؛ یعنی تربیتی که محتوای خود را از دین می‌گیرد؛ درمقابل تربیتی که محتوای خود را از غیردین، مثلاً تجربه و عقل و علم بشری می‌گیرد. ب) تربیتی که هدفش پرورش بعد دینی انسان است. منظور از تربیت دینی در شکل دوم، مجموعه اعمال عمدی است که با هدف آموزش گزاره‌های اعتقادی یک دین و پرورش ایمان و التزام عملی به آن آموزه‌ها صورت می‌گیرد. در این معنا بعد دینی انسان هم‌عرض ابعاد دیگر او مانند بعد عقلی، بعد عاطفی، بعد اجتماعی، بعد جنسی و دیگر ابعاد است. بنابراین، همان‌طور که می‌توان در باره بعد عقلی انسان و چگونگی تربیت این بعد سخن گفت، تربیت بعد دینی او نیز به‌عنوان فرایندی عملی

قابل بررسی و مطالعه علمی است. همچنین باقری (۱۳۸۹) در تعریفی تربیت دینی را این‌گونه در نظر گرفته‌اند: «فراهم کردن زمینه‌ها تا عناصر اصلی تدین (اعتقادی - فکری، تجربه درونی، التزام درونی و عمل) در بستر ارتباط مربی و متربی با تأمین مؤلفه‌های تربیت شکل بگیرد؛ به‌صورتی که این فرایند از مؤلفه‌های اساسی عقلانیت در اعتقادات، اخلاق و عبادات و احکام دینی، تقوای حضور، ارزیابی همراه با گزینش و طرد، برخوردار باشد. در این پژوهش تعبیر «دعاه الی الله» که محور اصلی بیانات حضرت علی(ع) را تشکیل می‌دهد، معادل تربیت دینی دانسته شده است؛ یعنی مجموعه اقداماتی که موجب ملکه‌شدن آموزه‌های دینی در متربی شود. بنابراین، آن تلقی از تربیت دینی مدنظر این پژوهش است که به‌معنای تربیت برای دین و در خدمت اهداف دین باشد، نه‌اینکه صرفاً محتوای آن برگرفته از دین باشد (داوودی، ۱۳۸۸؛ زارغان، ۱۳۷۹). همچنین با توجه به مراحل که برای تربیت دینی از کلام امام(ع) استنباط می‌شود (سه مرحله اخذ، انتقال، مراقبت) میان تربیت دینی و تعلیم دینی تفاوت ایجاد می‌شود. بدین معنا که صرف تعلیم دینی مستلزم تربیت دینی نیست، بلکه ملکه‌شدن آموزه‌ها در متربی (مرحله مراقبت) نیز جزو اقدامات تربیتی مربی و بخشی از تربیت دینی است.

مربی تربیت دینی

مربی در لغت، اسم فاعل باب تفعیل و به‌معنای تربیت‌کننده، پرورش‌دهنده و پرورنده می‌باشد (عمید، ۱۳۹۳: ۹۲۹) و در اصطلاح، منظور از این واژه کسی است که استعدادهای درونی و فطری متربی تربیت دینی را شکوفا سازد و زمینه‌ای برای او فراهم آورد تا کمالات بالقوه را به‌فعلیت برسد (سبحانی، ۱۳۸۷: ۱۳). حسنی بافرانی و حیاتی (۱۳۹۶) اعتقاد دارند که مربی یکی از ارکان اساسی تربیت دینی است. از دیدگاه آنان، حرکت و طی مسیر بدون وجود مربی نه‌تنها سرعت متربی را کم می‌کند، بلکه او را با خطرها، موانع و انحراف‌های گوناگون مواجه می‌سازد. از نظر داوودی (۱۳۹۵) مربی تربیت دینی سه نقش اساسی شامل "آموزشی"، "ایمان‌آفرینی" و "شکل‌دادن به رفتارهای متربیان" ایفا می‌نماید. مراد از نقش آموزشی این است که معلم آگاهی‌های اعتقادی لازم را در اختیار متربیان قرار دهد به‌گونه‌ای که از نظر شناختی و ذهنی، اعتقادات دینی را بپذیرند. منظور از نقش ایمان‌آفرینی آن است که مربی کاری کند که شناخت و باور ذهنی متربی به اعتقاد و ایمان قلبی تبدیل شود. در مورد نقش مربی در شکل‌دادن به رفتارهای متربیان نیز می‌توان به نقشی که او در تربیت عبادی ایفاء می‌کند، اشاره کرد. به‌عنوان مثال، حضور و مشارکت در نماز جماعت

مدرسه، عامل مؤثری در جذب متریان به نماز و شکل‌گیری رفتار مطلوب در آنهاست.

آموزش مربی تربیت دینی

در کشورهای مختلف، سیاست‌های گوناگونی برای آموزش مربی تربیت دینی اتخاذ می‌شود. در ایتالیا که مهد مسیحیت و کلیسای کاتولیک است مربیان الزاماً باید از میان فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های کاتولیک در یکی از رشته‌های علوم مذهبی و یا خدانشناسی باشند. این تصمیم به‌منظور به‌کارگیری مربیان تحصیل‌کرده و با معلومات روز، اتخاذ شده است؛ اما بنا بر نظر برنامه‌ریزان دروس مذهبی در مدارس ایتالیا، یک مربی دروس مذهبی باید به‌لحاظ فردی نیز به‌عنوان الگوی عملی دانش‌آموزان، فردی باایمان و دارای خصوصیات اخلاقی قابل‌قبول باشد. به‌همین منظور، این فرد باید مورد تأیید اسقف محل نیز قرار بگیرد. نظارت‌ها در مورد مربیان دروس مذهبی با شدت هرچه‌بیشتر انجام می‌شود. به‌عنوان مثال، اگر ازدواج یکی از این مربیان به طلاق منجر گردد، ممکن است به این واسطه، کار خود را از دست بدهد. نظر به اینکه بخش عمده‌ای از آموزش‌های مذهبی در مدارس ایتالیا، مربوط به تجزیه و تحلیل مسائل روز دنیا از چشم‌انداز مذهب کاتولیک می‌باشد، این مربیان موظفند هر ساله در کلاس‌های آموزشی ویژه‌ای شرکت نموده و علاوه بر روزآمدسازی اطلاعات خویش، از قوانین جدید و تغییرات در نحوه آموزش دروس مذهبی آگاهی کسب نمایند (نجفی، ۱۳۹۸: ۵۹-۵۸). در فنلاند هم که یکی از کشورهای پیشرو در مدرسه‌داری نوین است، متقاضیان مربیگری دینی باید مدرک کارشناسی دانشگاهی در موضوع مربوطه، سطح قابل‌توجهی از اطلاعات مربوط به تربیت معلم و یک مدرک زبان فنلاندی یا سوئدی، داشته باشند. علاوه بر این، مربی به تعداد مشخصی از گواهینامه مذهبی هم نیاز دارند که یا شامل مدرک کارشناسی ارشد و یا به‌عنوان مطالعات اضافی باید اخذ شود. آموزش مربی تربیت دینی در فنلاند به‌وسیله چهار دانشگاه هلسینکی^۱، تورکو^۲، فنلاند شرقی^۳ و ابو^۴ ارائه می‌شود. دانشگاه‌های مذکور مربیان تربیت دینی مرتبط با ادیان و مذاهب مختلف از جمله اسلام، یهودیت، مسیحیت ارتدکس و کاتولیک و بودا را آموزش می‌دهند (ساکاراناهو^۵، ۲۰۱۳: ۲۴۰-۲۳۹). در

1. Helsinki
2. Turku
3. Eastern Finland
4. Åbo
5. Sakaranaho

ترکیه نیز دانشکده الهیات دانشگاه آنکارا برنامه درسی جامعی را برای آموزش مربی تربیت دینی در مدارس عمومی آغاز کرده است. با توجه به این سیاست، دانشکده الهیات به دو بخش کارشناسی الهیات و معلمان مدارس ابتدایی برای تدریس درس «فرهنگ دین و اخلاق» تقسیم شده است. مریبان درمورد موضوعات مختلف مربوط به تاریخ اسلام، مانند مبدأ تاریخ‌نگاری اسلامی، منابع اسلامی، دوره‌هایی از زندگی حضرت محمد(ص) و تاریخچه مسلمان ترکیه که حاوی آداب و رسوم، فرهنگ و تمدن آنهاست، آموزش می‌بینند (آلاسایا و جلوانی^۱، ۲۰۱۱: ۴۶). در کشور ما متولی اصلی تربیت مربی، دانشگاه فرهنگیان است، این دانشگاه در قالب گروه الهیات مریبان خاص تربیت دینی را آموزش می‌دهد و برای مریبان عام به‌ویژه معلمان دوره ابتدایی دروس دینی و تربیت اسلامی را تدارک دیده است. از سال ۱۳۹۸ زمره‌هایی از دفتر همکاری بین آموزش و پرورش و حوزه علمیه برای واگذاری امر آموزش مربی تربیت دینی به حوزه‌های علمیه به‌گوش می‌رسد که در صورت عملیاتی‌تر شدن آن می‌توان به ورود مریبان متخصص به مدارس امیدوار شد. البته گروه علوم تربیتی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) نیز به‌گونه‌ای تخصصی و حرفه‌ای در قالب «کارشناسی ارشد تربیت دینی» اقدام به آموزش مربی تربیت دینی نموده و تاکنون سه دوره فارغ‌التحصیل را با سرفصل‌هایی چون آشنایی با ادیان بزرگ جهان و آموزه‌های آنها، نظریه‌های یادگیری، روان‌شناسی شخصیت، دین‌دانشی از نگاه اسلام و ادیان مهم دیگر، تربیت دینی در قرآن کریم و سنت، روان‌شناسی رشد دینی، فلسفه تربیت دینی، روان‌شناسی دین، آمار استنباطی (پیشرفته)، بررسی تطبیقی تعلیم و تربیت دینی در ادیان و مذاهب، جامعه‌شناسی تعلیم و تربیت دینی، تعلیم و تربیت ارزش‌ها، روش تحقیق در تعلیم و تربیت (پیشرفته) و سمینار در تعلیم و تربیت دینی، روانه نظام آموزشی کرده است [تلاش گروه‌های علوم تربیتی در دوره کارشناسی برای مریبان عمومی و گروه‌های فلسفه تعلیم و تربیت در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری برای مریبان تخصصی بخش دیگری از این فرایند است که صلاحیت دینی را در کنار دیگر صلاحیت‌های معلمی آموزش می‌دهند.

صلاحیت‌های حرفه‌ای^۲

«صلاحیت» را مجموعه‌ای ترکیبی و توصیفی از براینده صفات، توانمندی‌ها، مهارت‌ها و

1. Alasania & Gelovani
2. Professional Competences

بینش‌های هویتی تعریف کرده‌اند. صلاحیت در این بیان در چهار بعد: دانش^۱، مهارت^۲، گرایش^۳ و تعهد^۴، محصور می‌شود (عسکری متین و کیانی، ۱۳۹۷). صلاحیت حرفه‌ای نیز مجموعه شناخت‌ها، گرایش‌ها، مهارت‌ها و تعهداتی می‌باشد که برای انجام مسئولیت‌ها و وظایف در هر شغلی ضروری است. در مقاله حاضر مراد از صلاحیت‌های حرفه‌ای، مؤلفه‌های شناختی، گرایشی و مهارتی توأم با تعهد است که در فرایند علمی و عملی مربیگری تربیت دینی ضروری بوده و مبنای آن حکمت ۱۴۷ نهج‌البلاغه است.

روش پژوهش

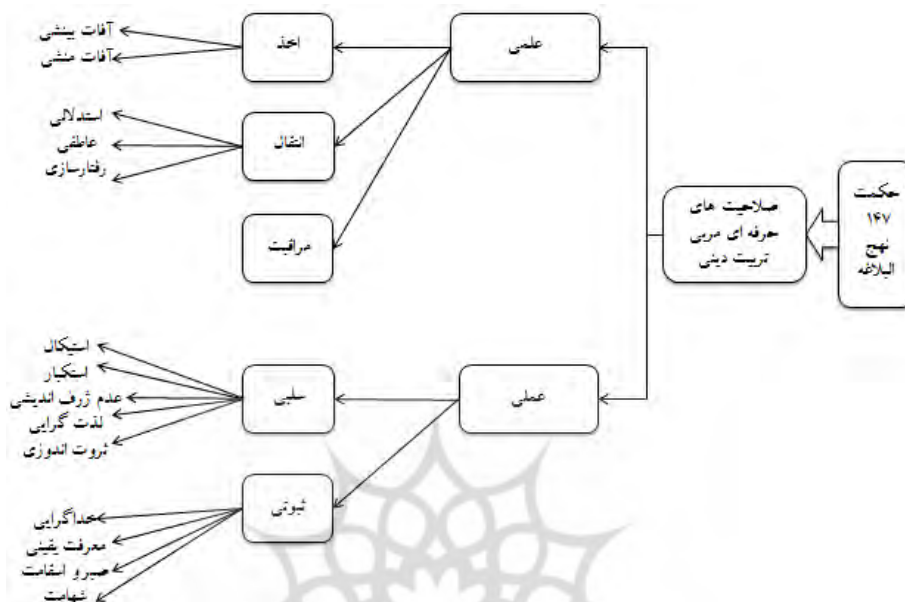
پژوهش حاضر از لحاظ رویکرد، در زمره تحقیقات کیفی و از لحاظ روش، توصیفی - استنباطی بوده، نمونه‌گیری در آن به شیوه هدف‌مند انجام شده (انتخاب حکمت ۱۴۷ نهج‌البلاغه) و روش تحلیل آن، تحلیل محتوای کیفی از نوع استقرایی (از جزء به کل) بوده است. مطالعه عمیق، تلخیص اطلاعات و استخراج مضامین اصلی، برقراری ارتباط بین مضامین به دست آمده و ایجاد چارچوبی مفهومی بدیع (الگوی مفهومی جدید) از صلاحیت‌های حرفه‌ای؛ گام‌ها و مراتب تحلیل محتوای استقرایی در حکمت ۱۴۷ نهج‌البلاغه بوده‌اند. برای کنترل اصالت و معتبر بودن استنباط‌ها و تحلیل‌ها نیز از دو نفر متخصص تربیت دینی با مدرک تحصیلی دکتری دانشگاهی و سطح چهار حوزوی استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

صلاحیت‌های حرفه‌ای مربی تربیت دینی شامل مطالعات فرسنگی
 صلاحیت‌های مربی را می‌توان به لحاظ ساحات مداخله تربیتی مربی در شکل‌دهی شخصیت
 مربی دسته‌بندی نمود. توضیح اینکه: چنانکه انسان متشکل از دو بعد جسم و روح است، روح نیز
 دارای ابعادی است. در یک تفسیر، روح انسان دارای دو بخش مجزای از هم است که بعد شناختی

1. Knowledge
2. Skill
3. Disposition
4. Commitment

و بعد عاطفی نامیده‌اند (مصباح یزدی، ۱۳۸۶: ۲۴۲). از سوی دیگر، براساس مبانی شکل‌گیری رفتار اختیاری، هر عمل اختیاری که از انسان سرمی‌زند مبتنی بر سه امر: شناخت، میل و انگیزه، قدرت و اراده و تصمیم‌گیری و عمل است (فقیهی، ۱۳۹۳: ۱۰۷). عمل انسان از هر نوع که باشد از علم و شناخت نشئت می‌گیرد. به‌علاوه هر عملی ملازم به علمی است که با آن عمل مناسبت داشته باشد و بر آن دلالت کند، بنابراین، علم در عمل اثرگذار است (طباطبایی، ۱۴۰۴ق، ج ۳: ۹۹). مؤلفه عاطفه و میل نیز جایگاه مهمی در این فرایند دارد. به‌گونه‌ای که برخی اندیشمندان معتقدند امیال و عواطف در ادراکات انسان تأثیر دارند. وجود و عدم توجه در بسیاری از اوقات، بستگی به میل و علاقه باطنی انسان دارد (مصباح یزدی، ۱۳۸۶: ۱۱۰ - ۱۰۹). بنابراین، احساسات انسان می‌تواند بر جهت‌گیری شناختی انسان نیز تأثیر بگذارند. از این‌رو، بعد شناختی و عاطفی در تعامل باهم شخصیت انسان را شکل می‌دهند. بنابراین، مربی جهت تحقق اهداف مطلوب تربیتی و شکل‌دهی شخصیت دینی متربی، دو نوع مداخله شناختی و عاطفی باید داشته باشد. بر همین اساس، می‌توان صلاحیت‌های حرفه‌ای مربی را به دو نوع علمی و عملی تقسیم کرد. مراد از صلاحیت‌های علمی به‌طور کلی تربیت‌شناسی است که بخشی از آن متوجه شرایط مطلوب مربی به‌لحاظ پیش‌صحت در مرحله اخذ معارف تربیتی است و بخشی متوجه فرایند عمل تربیتی و به‌مثابه روش و محتواست. مراد از صلاحیت‌های عملی، لحاظ مربی به‌مثابه الگو است. بدین بیان که مربی باید رنگ توحید گرفته باشد «صِبْغَةَ اللَّهِ» (بقره/۱۳۸)، تا بتواند با تأثیر عملی در ساحت عاطفی، متربی را به آن جهت سوق دهد. علت این تأکید، اثری است که مربی در مقام عمل می‌گذارد و دفع رذائل از او، موجب دفع رذائل از متربی و کسب فضائل در جان او نیز موجب کسب فضائل توسط متربی می‌شود (نهج‌البلاغه، حکمت ۱۷۸). این دسته‌بندی را می‌توان از دلالت‌های صریح و ضمنی حکمت ۱۴۷ نهج‌البلاغه پی‌جویی و مؤلفه‌های آن را ترسیم نمود که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.



شکل ۱. صلاحیت‌های حرفه‌ای مربی تربیت دینی مبتنی بر حکمت ۱۴۷ نهج البلاغه

۱. صلاحیت‌های علمی

از کلام حضرت استنباط می‌شود که این صلاحیت‌های حرفه‌ای را می‌توان به‌لحاظ مراحل تربیت تقسیم کرد، به‌گونه‌ای که نوعی ترتب رتبی بر یکدیگر دارند. توضیح اینکه؛ مراحل تربیت را می‌توان از حیث‌های مختلف دسته‌بندی کرد، از جمله براساس مراحل رشد مربی، اولویت‌های ساختاری تربیت و اولویت‌های محتوایی (مصباح یزدی، فتحعلی، مصباح، یوسفیان، ۱۳۹۱: ۳۴۰ - ۳۳۹). یکی از این دسته‌بندی‌ها تقسیم مراحل تربیت براساس ترتیب منطقی و پیش‌نیاز بودن برخی از مراحل تربیت است (همان: ۳۴۱). چنانکه عامل مربی از حیث کارکردی به‌عنوان جزالعله فرایند تربیت، مقدم بر مربی است، صلاحیت‌های نظری مربی را می‌توان از این حیث مورد بررسی قرار داد. بدین بیان که تربیت دینی فرایندی طولی است و با لحاظ مربی در این فرایند می‌توان سه مرحله طولی برای آن در نظر گرفت. مرحله نخست صرفاً ناظر به مربی است و مراحل دوم و سوم، ناظر به رابطه هدف‌مند و دوسویه مربی و مربی است. در کلام حضرت علی(ع) به این سه مرحله تربیت به نحو ظریفی اشاره شده است. از بیان حضرت استفاده می‌شود که تربیت دینی مبدأ و منتهایی دارد؛

از اخذ صلاحیت‌های معرفتی توسط مربی شروع شده و در مرحله بعد انتقال (تعلیم) و در آخر با تعمیق و رشد دادن و به‌شاکله‌رساندن آنچه منتقل شده است، پایان می‌پذیرد. بنابراین، این مراحل را می‌توان اخذ، انتقال و مراقبت نامگذاری نمود.

اخذ

اولین مرحله تربیت، اخذ یعنی گرفتن و یا به تعبیر دیگر تعلم است. امیرالمؤمنین (ع) در ابتدای حکمت ۱۴۷ آرزو می‌کند کاش حاملی برای علمش وجود داشت تا می‌توانست علمش را به او بیاموزاند و یا به سینه او القا کند. ایشان خطاب به کمیل می‌فرمایند: «إِنَّ هَاهُنَا لَعِلْمًا جَمًّا: بدان که در اینجا (اشاره به سینه مبارک کرد) دانش فراوانی انباشته است». بعد از حاملی که باید این علم را اخذ کند، سخن می‌گویند و می‌فرمایند: «لَوْ أَصَبْتُ لَكُ حَمَلَةً: ای کاش کسانی را می‌یافتم که می‌توانستند آن را بیاموزند». همچنین در فرازهای بعدی آفات بینشی و منشی را که مانع چنین قابلیت و صلاحیتی می‌شود، بیان می‌کنند. «أَصَبْتُ لَقْنَا غَيْرَ مَأْمُونٍ عَلَيْهِ مُسْتَعْمِلًا آلَةَ الدِّينِ لِلدُّنْيَا وَ مُسْتَظْهِرًا بِنِعْمِ اللَّهِ عَلَى عِبَادِهِ وَ بِحُجَجِهِ عَلَى أَوْلِيَائِهِ؛ أَوْ مُتَّقَادًا لِحَمَلَةِ الْحَقِّ لَا بَصِيرَةَ لَهُ فِي أَحْوَالِهِ يَنْقَدِحُ الشُّكُّ فِي قَلْبِهِ لِأَوَّلِ عَارِضٍ مِنْ شُبْهَةٍ أَلَّا لَأَ ذَا وَ لَأَ ذَاكَ». بسیاری از مریبان بشریت در اخذ معارف تربیتی دارای نقص بوده‌اند. از جمله اینکه تنها نیم‌رخ‌ی از حقیقت انسان را یافته‌اند و انسان را در همان نیم‌رخ می‌خکوب کرده‌اند (جعفری، ۱۳۹۰: ۱۴۰). بدیهی است که تربیت کردن فرع تربیت‌شناسی است. پس ابتدا مربی باید معارف تربیتی را به‌درستی شناخته باشد، اهداف و مقاصد خلقت انسان و هستی را یافته باشد، غایت تربیت را درک کرده باشد و نسبت به استعداد‌های متربی شناخت‌های لازم را داشته باشد و نیز از آفات منشی و رفتاری محفوظ مانده باشد تا بتوان در مرحله بعد به تعلیم پردازد. شهید مطهری علت انکار معارف دینی و اعراض از آنها را توسط بسیاری از افراد ولو تحصیل‌کرده، این می‌دانند که مفاهیم مذهبی و دینی به‌درستی به آنها تعلیم داده نشده است (مطهری، ۱۳۹۰: ۴۰۲). به‌همین جهت، ایشان وظیفه اول مربی تربیت دینی را دین‌شناسی و تربیت‌شناسی می‌دانند.

انتقال

مربی وقتی از مرحله اخذ و تعلم فارغ شد، به مرحله انتقال و تعلیم وارد می‌شود، تا معارف دینی را به قلب متربی برساند. حضرت در این باره می‌فرماید: «يُحْفَظُ اللَّهُ بِهِمْ حُجَجَهُ وَ بَيِّنَاتِهِ حَتَّى يُودِعُوهَا نُظْرَاءَهُمْ وَ يَزْرَعُوهَا فِي قُلُوبِ أَشْبَاهِهِمْ؛ خدا به‌وسیله آنان (مربیان تربیت دینی) حجّت‌ها و

نشانه‌های خود را نگاه می‌دارد، تا به کسانی که همانندشان هستند، بسپارد و در دل‌های آنان بکارد». تعبیر "یودعوا" اشاره به تعلیم علوم و اسرار آماده‌ای است که همچون امانتی از صندوقی به صندوق دیگر منتقل می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۹۲: ۲۰۸). بدیهی است رساندن معارف تربیتی، خود نیازمند اسلوب و روش است و بخش مهمی از صلاحیت‌های مربی را شامل می‌شود؛ چراکه دستیابی به اهداف تربیتی در گرو تعیین راه‌های ممکن و انتخاب بهترین آنها براساس تبیین معقول و منطقی است (مصباح یزدی و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۴۴). تعیین این راه‌ها همان روش‌ها و اسلوب تربیتی است. در بیان امیرالمؤمنین (ع) به صورت کلی به سه دسته فعالیت تربیتی عمده در این مرحله اشاره شده است.

روش‌های انتقال

- تعلیم

امیرالمؤمنین (ع) در فرازهایی از این حکمت به شیوه عملکرد دعاه الی‌الله (مربیان تربیت دینی) اشاره کرده و می‌فرماید: «اللَّهُمَّ بَلِّ لَّا تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ قَائِمٍ لِلَّهِ بِحُجَّتِهِ إِمَّا ظَاهِرًا مَشْهُورًا وَإِمَّا خَائِفًا مَعْمُورًا لِئَلَّا تَبْطُلَ حُجْجُ اللَّهِ وَبَيِّنَاتُهُ وَكَمْ ذَا وَ أَيْنَ أَوْلَيْكَ أَوْلَيْكَ وَاللَّهُ الْأَقْلُونَ عَدْدًا وَالْأَعْظَمُونَ عِنْدَ اللَّهِ قَدْرًا يَخْفَظُ اللَّهُ بِهِمْ حُجْجَهُ وَبَيِّنَاتِهِ حَتَّى يُودِعُوهَا نُظْرَاءَهُمْ وَ يَزْرَعُوهَا فِي قُلُوبِ أَشْبَاهِهِمْ». آری خداوند زمین هیچگاه از حجت الهی خالی نیست که برای خدا با برهان روشن قیام کند، یا آشکار و شناخته‌شده، یا بیمناک و پنهان، تا حجت خدا باطل نشود، و نشانه‌هایشان از میان نرود تعدادشان چقدر؟ و در کجا هستند؟ به خدا سوگند که تعدادشان اندک ولی نزد خدا بزرگ‌مقدارند که خدا به وسیله آنان حجت‌ها و نشانه‌های خود را نگاه می‌دارد، تا به کسانی که همانندشان هستند، بسپارد و در دل‌های آنان بکارد». این بیان مشتمل بر نکاتی است که روش‌های تربیت دینی را شکل می‌دهد. جملات «بِحُجَّتِهِ»، «ظَاهِرًا مَشْهُورًا»، مؤید روش‌های استدلالی و عقلانی است و تعابیر «إِمَّا خَائِفًا مَعْمُورًا»، «يُودِعُوهَا نُظْرَاءَهُمْ وَ يَزْرَعُوهَا» مؤید روش‌های احساسی و عاطفی است و تعابیر «قَائِمٍ لِلَّهِ»، «لِئَلَّا تَبْطُلَ حُجْجُ اللَّهِ وَبَيِّنَاتُهُ»، بیانگر روش‌های رفتار ساز است. اینک به تبیین هر دسته از این روش‌ها پرداخته می‌شود و به فونونی برای هر دسته اشاره می‌گردد.

- استدلالی

اقامه استدلال و برهان و تکیه بر خردورزی و استدلال عقلانی یک روش قرآنی در تربیت دینی است (نحل/۱۲۵). چنانکه یکی از شیوه‌های احتجاج قرآن با صاحبان عقاید باطل این است که از

آنان، مطالبه دلیل می‌کند تا روشن شود عقاید ایشان پایه عقلی و منطقی ندارد (مصباح یزدی، ۱۳۸۴ الف: ۳۷۱). در چندین آیه آمده است «قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ» (بقره/۱۱۱؛ انبیاء/۲۴؛ نمل/۶۴). مطهری (ره) اولین شرط لازم برای موفقیت در تربیت را، عقلی بودن پیام و نیرومندی محتوای آن می‌داند تا جاذبه عقل انسان را به سوی خود بکشد (مطهری، ۱۳۸۵، ج ۱: ۳۰۵). در سیره اهل بیت (ع) از جمله امیرالمؤمنین (ع) هم این روش جایگاه رفیعی داشته است. پس از جنگ جمل حضرت بر منبر مسجد جامع بصره و مسجد کوفه می‌روند و ضمن سخنرانی افشاگرانه به مخالفان آزادی بیان داده تا استدلال‌ات، اشکالات و شبهات خود را مطرح کنند، سپس حضرت به تک‌تک استدلال‌ات مطرح شده پاسخ می‌دهند، به گونه‌ای که این حرکت نقش مؤثری در هدایت افراد داشته است (شهریاری، ۱۳۹۳). در حکمت ۳۷ نهج البلاغه نیز حضرت علی (ع) در مواجهه با کسانی که جهت تکریم ایشان پیاده پیشاپیش حضرت می‌دویدند، عمل آنها را سرزنش کرده و برای اثبات نادرستی آن به استدلال و رزی عقلانی روی می‌آورند.

برخی فرازهای حکمت ۱۴۷ نهج البلاغه و نیز آیات قرآن کریم سبک‌های مختلف این روش را تبیین می‌کنند. این موارد را می‌توان فنون روش استدلال و رزی نامید. از جمله: تصرف و تغییر عقاید، «اسْتَلَانُوا مَا اسْتَوْعَرَهُ الْمُتَرْفُونَ وَ اَنْسُوا بِمَا اسْتَوْحَشَ مِنْهُ الْجَاهِلُونَ»، ارائه دلیل «بحجه» (حکمت ۱۴۷)؛ ارجاع‌دهی به مقبولات و مشهورات «ظَاهِرًا مَشْهُورًا» (همان)؛ حکمت و جدال احسن (نحل/۱۲۵)؛ القای ملاک و معیاردهی (یوسف/۲۷ - ۲۶؛ اسراء/۴۲؛ انبیاء/۲۲)؛ مطالبه دلیل (بقره/۱۱۱؛ انبیاء/۲۴؛ نمل/۶۴)؛ تمثیل شهودی (بقره/۱۳۷ - ۱۱۸ - ۱۱۳ - ۱۰۶ - ۲۳ - ۱۷؛ آل عمران آیات: ۷۳ - ۵۹ - ۱۳؛ نساء/ ۱۷۶ - ۱۰۴، مائده/۳۶ - ۳۱؛ یونس/۲۴)؛ ارجاع به بدیهیات وجدانی (اعراف/۱۷۶، انعام/۱۲۲)؛ قول سدید (نساء/ ۹)؛ قول بلیغ (نساء/۶۳)؛ قول احسن (اسراء/۵۳)؛ ارزیابی و نقد (زمر/۱۸)؛ مواجهه و رودررویی (بقره/۵۷؛ حج/۳۲؛ روم/۴۱)؛ ایجاد تقابل (بقره/۲۸۶)؛ مشاهده حسی (نحل/۷۸)؛ درون نگری (فصلت/۵۳)؛ قیاس (انبیاء/۲۲)؛ تحلیل (توبه/۷۷).

- عاطفی

مؤلفه عواطف و امیال، جایگاه مهمی در شکل‌دهی شخصیت انسان دارند. چنان‌که قبلاً یادآور شدیم امیال و عواطف در ادراکات انسان نیز تأثیر دارند و وجود و عدم توجه در بسیاری از اوقات، بستگی به میل و علاقه باطنی انسان دارد. به همین جهت، استفاده از این عنصر مهم در تربیت

دینی، امری ضروری و مهم است. مطهری یکی از شرایط موفقیت در تربیت را انطباق پیام با احساسات بشر می‌داند و می‌گوید «انسان کانونی دارد غیر از کانون قلبی و فکری به نام کانون احساسات که آن را نمی‌توان نایده گرفت. توافق و هماهنگی با احساسات و تاحدی اشباع احساسات عالی و رقیق بشر... از دیگر شرایط غنی محتوای پیام است» (مطهری، ۱۳۸۵، ج ۱: ۳۰۵). توجه به عواطف و جهت‌دهی آنها به سمت اهداف تربیتی مدنظر، مورد تأکید حضرت امیر(ع) است. حضرت در بیان اهمیت استفاده از این مؤلفه نکاتی را تذکر داده می‌فرماید «إِنَّ لِلْقُلُوبِ شَهْوَةً وَ إِقْبَالَوْ إِدْبَاراً فَأَتَوْهَا مِنْ قِبَلِ شَهْوَتِهَا وَ إِقْبَالِهَا فَإِنَّ الْقَلْبَ إِذَا أُكْرِهَ عَمِي: دلها را هوایی است و روی آوردنی و پشت کردنی، پس دلها را آنگاه به کار گیرید که خواهان است و روی در کار؛ چه دل اگر به ناخواه به کاری وادار شود، کور گردد» (نهج البلاغه، حکمت ۱۹۳).

مری باید عواطف مثبت مخاطب را برانگیزد و تربیت دینی را به گونه‌ای سامان دهد که موجبات دریافت انگیزه و کسب شوق و لذت را برای مخاطب به همراه آورد تا اراده و خواست مخاطب برانگیخته شود. این بدان جهت است که کاری که موجب دریافت لذت و دوری از الم و رنج می‌گردد، مورد خواست و اراده انسان واقع می‌شود و چیزی که رسیدن به آن لذت‌بخش است مورد علاقه و محبت انسان قرار می‌گیرد (مصباح یزدی، ۱۳۸۴ ب: ۸۴).

برای استفاده از ظرفیت عواطف مخاطب باید از اسلوب مختلف بهره گرفت. در برخی فرازهای حکمت مورد استناد، همچنین برخی آیات قرآن کریم به سبک‌های مختلف این روش اشاره شده است. این فنون، برخی بالاصاله ناظر به شخص مری، برخی ناظر به کیفیت القای محتوای تربیتی و برخی مربوط به فضاسازی‌هاست. از جمله: بیم‌دهی غیرمستقیم «خَائِفًا مَعْمُورًا»؛ همدلی «يُودِعُوهَا نُظْرَاءَهُمْ»؛ القای به قلب «يَزِرْغُوهَا فِي قُلُوبِ»؛ ایجاد شباهت «أَشْبَاهِهِمْ»؛ ایجاد شوق، «آه آه شَوْقًا إِلَى رُؤْيَتِهِمْ»؛ قول میسور (اسراء/۲۸)؛ قول لیل (طه/۴۴)؛ قول کریم (اسراء/۲۳)؛ قول معروف (لقمان/۱۵)؛ نساء/۸-۵)؛ موعظه (نحل/۱۲۵)؛ آراستن ظاهر (مدثر/۱ تا ۴)؛ آراستن محیط (صافات/۶)؛ القای امید (توبه/۱۱۸، غافر/۳؛ زمر/۹)؛ تبشیر (بقره/۲۱۳-۱۵۵-۹۷-۲۵)؛ آل عمران/۱۷۱-۱۷۰)؛ نساء/۱۶۵)؛ یونس/۸۷؛ زخرف/۷۱)؛ رضوان (آل عمران/۱۵)؛ یسر (بقره/۱۸۶)؛ بیان مهر و قهر (طه/۳۹-۲۲)؛ نساء/۱۴۸)؛ بقره/۲۰۵-۹۵-۹۰)؛ دل‌بستگی (بقره/۱۶۵)؛ جلب اعتماد (هود/۸۸)؛ حمایت‌گری (طه/۴۶).

– رفتارسازی

رفتارسازی را به معنای شکل‌دهی رفتار بدون مداخله تربیتی از سنخ عقلی و عاطفی می‌توان دانست. البته از آنجا که شکل‌گیری رفتار، فرایندی اختیاری است، مراد از رفتارسازی، ایفای نقش مربی در حیطه مسائل اعدادی و زمینه‌ساز است؛ بدین معنا که مربی باید شرایط را به گونه‌ای فراهم سازد که زمینه تکون شخصیت دینی مربی فراهم شود. این زمینه‌سازی می‌تواند جنبه‌ای ایجابی و سلبی داشته باشد. در بعد سلبی پرهیزمداری‌ها و ایجاد مانع برای پرهیزدادن از برخی اعمال و رفتارها مدنظر است. اهمیت زمینه‌سازی سلبی به جهت گرایش‌ات سوئی است که در وجود انسان است (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۱۸۱). قرآن کریم در آیه ۶۸ سوره انعام به روش‌های سلبی در تربیت اشاره کرده است. این نوع رفتارسازی از جهت حفظ کرامت نفس نیز حائز اهمیت است. چنانکه امیرالمؤمنین (ع) در حکمت ۱۵۹ و ۱۷۰ نهج‌البلاغه به این مسئله اشاره فرموده‌اند. در روایت دیگری، حضرت در مقام تربیت فرزندشان به اهمیت رفتارهای سلبی اشاره کرده به فرزندشان توصیه می‌کنند: از دوستی با احمق و بخیل و بدکار و دروغ‌گو پرهیز کنند (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۴۹). حتی حضرت از رفتن به مسافرتی که ممکن است برای دین و نماز انسان خطر ایجاد کند و ممانعی در جهت تربیت دینی باشد، پرهیز داده‌اند (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱: ۳۴۴).

در بعد ایجابی نیز مراد از شکل‌دهی رفتار، ارائه سبک و مدل عینی و ملموس زندگی دینی در شئون مختلف ارتباطی انسان است. این سبک‌دهی می‌تواند از طریق سبک زندگی خود مربی باشد. بدین معنا که مربی در محیط زندگی مربی الگوی زندگی دینی خود را به مربی بنمایاند. چنانکه پیامبر اکرم (ص) در احتجاج به مشرکین به این مسئله تذکر داده و به آن احتجاج نموده‌اند «فَقَدْ لَبِثْتُ فِيكُمْ» (یونس/۱۶).

در برخی فرازهای حکمت ۱۴۷ و نیز آیات قرآن به فنون این روش اشاره شده است. این فنون گاهی اصالتاً ناظر به رفتارهای مربی است و گاهی ناظر به مربی و گاهی ناظر به محیط است. از جمله سبک‌دهی عینی، «فَأْتِمِ لِلَّهِ»؛ اصلاح شرایط، «لِئَلَّا تُبْطِلَ حُجْجَ اللَّهِ وَ بَيِّنَاتُهُ»؛ خفض جناح (حجر/۸۸)؛ انس و الفت (آل عمران/۱۰۳؛ انفال/۶۳)؛ الگودهی (احزاب/۲۱؛ ممتحنه/۴)؛ تغییر موقعیت (انعام/۶۸؛ نساء/۱۴۰)؛ اقتدا (انعام/۹۰)؛ مشارکت (مائده/۲).

مراقبت

از یک سو انسان همواره تحت تأثیر عوامل محیطی است و از سوی دیگر، درجات کمال برای

انسان پایان‌ناپذیر است و پیشرفت مادام‌العمر و علی‌الدوام او را فراهم می‌سازد (مصباح یزدی و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۱۴). این دو مسئله بیانگر ضرورت استمرار و مراقبت در تربیت است. چنانکه رسالت مربی در بیان حضرت علی (ع) با ابلاغ و تعلیم به پایان نمی‌رسد، بلکه باید معارف در دل و جان مرتبی رسوخ و رسوب داده شود. یعنی اقدامات تربیتی باید موجب ملکه‌شدن آموزه‌های دینی در مرتبی شود. «حَتَّى يُودِعُوهَا نُظْرَاءَهُمْ وَ يَزْرَعُوهَا فِي قُلُوبِ أَشْبَاهِهِمْ» در این فراز، از کاشتن بذر معرفت در دل و جان مرتبی سخن به میان می‌آورد. تعبیر به "یزرعوا" اشاره به آن دارد که باید بذر معارف افشاندن شود و تدریجاً در دل مرتبی پرورش یابد تا زمانی که به ثمر نشیند (مکارم شیرازی، ۱۳۹۲: ۲۰۸). رسالت مربی زمانی پایان می‌یابد که احکام الهی را در مخاطب و مرتبی خود به مرتبه شاکله برساند تا به شخصیت او تبدیل شود. «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ: هریک بر پایه شاکله خود رفتار می‌کنند» (اسراء/۸۴). ویژگی اصلی شاکله، استواری و پایداری آن است به گونه‌ای که بر فکر و احساس و نیت و اراده اعمال و رفتار فرد احاطه دارد (باقری، ۱۳۸۹: ۱۲۶). بذر معرفت پاشیده در دل مخاطب نیازمند مراقبت بالینی دارد، نیازمند آبیاری و سرکشی است تا به بار نشیند و اگر عاملی مزاحم، رشد و شکوفایی او را تهدید می‌کند، از میان برود. پیامبر اکرم (ص) غیر از ابلاغ و رساندن پیام الهی به افراد در پی ساختن شخصیت آنها نیز بودند (عسکری، ۱۳۸۹، ج ۱: ۶۶). این مراقبت‌گری حین مرحله تعلیم و بعد از آن باید انجام شود.

۲. صلاحیت‌های عملی

تأکید بر کسب صلاحیت‌های عملی بدین جهت است که مرتبی به عنوان اصلی‌ترین الگو در تربیت مطرح است و این خود بر این مبنا استوار است که انسان از محیط اجتماعی و انسان‌های دیگر تأثیرپذیر است. به علاوه مبتنی بر گرایش فطری انسان به سوی کمال است (سلیمانی، ۱۳۹۰: ۶۳). رفتار پیش از گفتار کارگر می‌افتد، بدین جهت، لازم است مرتبی صلاحیت‌های عملی کسب کند تا بتواند تأثیرگذاری لازم را در مرتبی ایجاد کند. امیرمؤمنان علی (ع) می‌فرمایند «إِنَّ الْوَعظَ الَّذِي لَا يَمْجُجُهُ سَمْعٌ وَلَا يَعْدِلُهُ نَفْعٌ مَا سَكَتَ عَنْهُ لِسَانُ الْقَوْلِ وَ نَطَقَ بِهِ لِسَانُ الْعَقْلِ؛ موعظه‌ای که گوش آن را پس نمی‌زند و هیچ سودی با آن برابری نمی‌کند، آن است که زبان گفتار در آن خاموش بماند و زبان کردار سخن بگوید» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ۲۳۱). کسی که می‌خواهد اسوه و الگوی دیگران گردد، اگر در رفتارش نقطه‌ضعف‌هایی باشد و مرتکب خطا و اشتباه شود، نمی‌تواند نقش تربیتی خود را به درستی ایفا کند. از تعابیر حضرت علی (ع) می‌توان به صورت ضمنی به این

صلاحیت‌ها دست یافت. امیرالمؤمنین (ع) علت محرومیت از علوم و حیانی را و نیز عدم صلاحیت در دعاه الی‌الله بودن را نقص در شخصیت افراد می‌شمارند. در آخر کلامشان نیز از افراد محدودی سخن به میان می‌آورند که با ویژگی‌های ممتاز لایق «دعاه الی‌الله» بودن هستند. با مدنظر قراردادن این فرازا که مشتمل بر بیانات سلبی (در قسمت اول) و ایجابی (در قسمت دوم) است، می‌توان به صلاحیت‌های عملی مربی در دو دسته صلاحیت‌های سلبی و ثبوتی دست یافت.

- صلاحیت‌های سلبی

مراد از صلاحیت‌های سلبی، صفات سلبی است که بیانگر معنای سلبی است. از آنجاکه سلب سلب کمال، ایجاب کمال است و درحقیقت به صفات ثبوتی برمی‌گردد (طباطبایی، ۱۴۰۴ق: ۲۸۴)، این دسته از صفات، جزو صلاحیت‌های مربی دسته‌بندی شده است. ویژگی‌های مذموم و نقص‌های شخصیتی مربی را که مانع انجام رسالت او در دعاه الی‌الله بودن می‌شود، حضرت امیر (ع) در قالب چهار گروه از افراد معرفی می‌نمایند. اهمیت این صفات به گونه‌ای است که هر کدام به تنهایی سبب سلب صلاحیت مربیگری است.

استیکال

استیکال به معنای طلب اکل است. یعنی مال کسی را ستاندن و خوردن (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۲: ۲۲۰۷). یعنی دنیاگرایی. به بیان حضرت امیر (ع) «غَيْرَ مَأْمُونٍ عَلَيْهِ مُسْتَعْمِلًا آلَةَ الدِّينِ لِلدُّنْيَا: مورد اعتماد نمی‌باشند، دین را وسیله دنیا قرار می‌دهند». دل‌بستگی به دنیا عاملی برای محرومیت از تقواست «حَرَامٌ عَلَىٰ كُلِّ قَلْبٍ مُتَوَلِّهِ بِالدُّنْيَا أَنْ يَسْكُنَهُ التَّقْوَى: بر هر دل شیفته دنیا حرام است که تقوا در آن جای گیرد» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ۱۴۲). کسی که دنیا در نظرش مهم باشد و موقعیت آن در دلش بزرگ جلوه کند، دنیا را بر جلب رضای خدا ترجیح می‌دهد. «تقوای دینی و الهی یعنی انسان خود را از آنچه از نظر دین و اصولی که دین در زندگی معین کرده و خطا و گناه و پلیدی و زشتی آن شناخته شده است، حفظ کند و مرتکب آنها نشود» (مطهری، ۱۳۹۰: ۲۳). استیکال، عاملی است برای بی‌تقوایی و بی‌تقوایی عاملی است برای تحمیل هر خسارت تربیتی. امام علی (ع) می‌فرماید: «حُبُّ الدُّنْيَا يُوْجِبُ الطَّمَعُ: دنیا دوستی موجب طمع کاری می‌شود» (ابن بابویه قمی، ۱۳۶۲، ج ۱: ۸۸). از این جهت این رذیله، مانعی در جهت صلاحیت مربی تربیت دینی است.

استکبار

از دیگر صفات سلبی برای مربی تربیت دینی، پرهیز از تکبر، فخر فروشی و قدرت‌طلبی است.

حضرت درباره این صفت مذموم می‌فرماید: «مُسْتَظْهَرًا يَنْعَمُ اللَّهُ عَلَى عِبَادِهِ وَبِحُجَجِهِ عَلَى أَوْلِيَائِهِ: با نعمت‌های خدا بر بندگان و با برهان‌های الهی بر دوستان خدا فخر می‌فروشند». این رذیله اخلاقی باب امانتداری را بر فرد می‌بندد؛ چنانکه در روایتی آمده است: «الْعُلَمَاءُ أَمْنَاءُ الرُّسُلِ مَا لَمْ يُخَالِطُوا السُّلْطَانَ: عالمان امانتداران پیامبرانند، تا وقتی با قدرت و قدرتمندان دنیوی درنیامیزند» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۷، ج ۲: ۲۰۸). این صفت سرآغاز بسیاری از گناهان است. «از تکبر بپرهیزید که سرآغاز طغیان‌ها و معصیت و نافرمانی خداوند رحمان است» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ۲۷۹). خداوند متعال در آیه ۵۶ سوره غافر، اصلی‌ترین عامل عناد در برابر حق و نافرمانی خداوند، را وجود تکبر در قلب کافران می‌داند «إِنَّ الَّذِينَ يَجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ إِنْ فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا كِبْرٌ مَا هُمْ بِبَالِغِيهِ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ: کسانی که در آیات خداوند بدون دلیلی که برای آنها آمده باشد، ستیزه‌جویی می‌کنند، در سینه‌هایشان فقط تکبر (و غرور) است و هرگز به خواسته خود نخواهند رسید، پس به خدا پناه بر که او شنوا و بیناست». شیطان به دلیل خودبرتربینی و استکبار از درگاه حق، رانده شد (بقره/۳۴). فرعون نیز از همین رو، خود را پروردگار مصریان خواند (قصص/۴).

عدم ژرف‌اندیشی

عدم ژرف‌اندیشی از صفات منفی دیگر مورد ذم در بیان امیرالمؤمنین (ع) است. «مُتَقَادًا لِحَمَلَةِ الْحَقِّ لَا بَصِيرَةَ لَهُ فِي أَخْنَائِهِ: گروهی که تسلیم حاملان حق می‌باشند، اما ژرف‌اندیشی لازم را در شناخت حقیقت ندارند». چنانکه از این بیان استفاده می‌شود این افراد اشخاصی سلیم‌النفس هستند اما خوب بودن، شرط لازم برای یک مربی است و نه شرط کافی. بی‌بصیرتی و عدم عمق در بینش‌ها سبب می‌شود این افراد نتوانند رسالتشان را انجام دهند، بلکه دچار انحراف و کژاندیشی در افکار و شخصیتشان نیز خواهند شد. «يَنْقَلِحُ الشَّكُّ فِي قَلْبِهِ لِأَوَّلِ غَارِضٍ مِنْ شُبُهَةٍ: با اولین شبهه‌ای، شک و تردید در دلشان ریشه می‌زند». درواقع انسان بی‌بصیرت هرچند از خصائص نیک بهره‌مند باشد، ولی ژرف‌اندیشی لازم و وسعت دید کافی نداشته باشد نمی‌تواند مربی شایسته‌ای باشد. علی (ع) می‌فرماید: «لَا يَحْمِلُ هَذَا الْعِلْمَ إِلَّا أَهْلُ الْبَصَرِ وَالصَّبْرِ وَالْعِلْمِ [بِمَوَاقِعِ] الْحَقِّ وَابْنِ پَرچم را حمل نتواند کرد، مگر کسی که بینا و شکیبیا باشد و جای حق را بشناسد» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۷۳).

لذت‌گرایی

پیروی از شهوات نفسانی و لذت‌گرایی، رذیله‌ای مذموم است که پیامدهای ناگواری در پی

خواهد داشت. به همین جهت است که حضرت امیر(ع) این افراد را مورد مذمت قرار داده و از جمله گروه‌ها و افرادی به‌شمار می‌آورند که لیاقت لازم برای عهده‌داری رسالت تربیت دینی را ندارند. ایشان می‌فرمایند: «مَنْهُمَا بِاللَّذَّةِ سَلِسَ الْقِيَادِ لِلشَّهْوَةِ: کسی که اسیر لذت است و در چنگال شهوت گرفتار آمده است». منهوم به معنای شکم پرست و حریص است و سلس القیاد به کسی گفته می‌شود که به آسانی در برابر چیزی تسلیم می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۹۲: ۲۰۳). چنین کسی عقلش تیره و تار خواهد شد و در نتیجه، دین و ایمانش را در پای لذات و شهواتش قربانی خواهد کرد. «در کشاکش انگیزه‌های شهوت و غضب، عقل تیره و تار می‌شود و فروغ خود را ازدست می‌دهد» (محدث نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۲: ۲۸۷).

ثروت‌اندوزی

حرص بر مال دنیا و ثروت‌اندوزی از جمله صفات سلبی دیگر داعیان الی‌الله است. «اغلب بدعت‌ها و کج‌روی‌ها در دین، که تاکنون موجب گمراهی مردمان بی‌شماری شده و نحله‌ها و فرقه‌های ضاله بسیاری در تاریخ پدید آورده است، برخاسته از جاه‌طلبی‌ها، برتری‌جویی‌ها و حسدورزی‌های کسانی بوده است که جزو عالمان دینی شناخته می‌شده‌اند» (مصباح یزدی، ۱۳۸۹: ۱۹۶). امام علی(ع) ثروت‌اندوزان را به چهارپایان تشبیه کرده و درباره آنان می‌فرماید: «مُغْرَمًا بِالْجَمْعِ وَاللَّذَّخَارِ لَيْسَا مِنْ رِعَاةِ الدِّينِ فِي شَيْءٍ أَقْرَبُ شَيْءٍ شَبَّهَا بِهِمَا الْأَنْعَامُ السَّائِمَةُ: آن که در ثروت‌اندوزی حرص می‌ورزد، هیچ‌کدام از آنان نمی‌توانند از دین پاسداری کنند و بیشتر به چهارپایان چرنده شباهت دارند». در حدیثی دیگر از امیرالمؤمنین(ع) از حضرت عیسی مسیح(ع) آمده است که حضرت فرموده‌اند: «الدَّيْنَارُ دَاءُ الدِّينِ وَالْعَالِمُ طَيْبُ الدِّينِ فَإِذَا رَأَيْتُمُ الطَّيِّبَ يَجْرُ الدَّاءَ إِلَى نَفْسِهِ فَأَنْتَهُمُوهُ وَاعْلَمُوا أَنَّهُ غَيْرُ نَاصِحٍ لغيره: دینار، موجب بیماری دین است و عالم طیب دین است هرگاه دیدید طیب عوامل بیماری را به سوی خود می‌کشد او را در طیش متهم سازید و بدانید خیرخواه دیگران نیست» (ابن بابویه قمی، ۱۳۶۲: ۱۱۳).

- صلاحیت‌های ثبوتی (ایجابی)

با بررسی بخش دیگری از کلام امیرالمؤمنین(ع) علاوه بر صلاحیت‌های سلبی، صلاحیت‌های ثبوتی نیز می‌توان برای مربی تربیت دینی شناسایی کرد.

خداگرایی

یکی از صلاحیت‌های ثبوتی مربی، خداگرایی است. مربی اگر از صمیم قلب احساس کند

نتیجه کار تربیتی او روی مرتبی دیر یا زود به خود او برمی گردد و در پیشگاه خداوند حاضر خواهد شد، با نگاهی و تلاشی دقیق تر به تربیت می پردازد. برخی مریبان در زمانی بسیار اندک انسان های بسیار با عظمتی تربیت کرده اند. اینان، همان مریبان با اخلاص بوده اند (جعفری، ۱۳۹۰: ۱۳۷). مربی زمانی می تواند مرتبی را به خدا پیوند دهد که خود با خدا پیوند خورده باشد. به بیان حضرت «صَحِبُوا الدُّنْيَا بِأَبْدَانٍ أَرْوَاحُهَا مُعَلَّقَةٌ بِالْمَحَلِّ الْأَعْلَى: در دنیا با بدن هایی زندگی می کنند که ارواحشان به جهان بالا پیوند خورده است». به علاوه از آنجا که غایت تربیت، توحید و قرب الهی است، مربی باید همواره از خدا استمداد کند تا بتواند آنچه موجب رضایت خداست، محقق کند و توفیق یابد و بر مشکلات راه غلبه کند. در واقع، از آنجا که تعلیم و تربیت کار خداست، کسب شایستگی در مقام نمایندگی خدا را باید از او بخواهیم (جعفری، ۱۳۹۰: ۱۴۸). «فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ: خداوند یگانه را بخوانید و دین خود را برای او خالص کنید، هر چند کافران ناخشنود باشند» (غافر/۱۴).

معرفت یقینی

از جمله ویژگی های مهم مربی، بهره مندی از افق دید و معرفت علمی یقینی است. مربی باید بداند چه چیزی را می خواهد به مرتبی تعلیم دهد، به علاوه باید به هویت و آثار و شرایط آن دگرگونی تربیتی که می خواهد در مرتبی ایجاد کند، علم داشته باشد (جعفری، ۱۳۹۰: ۱۳۲). این سنخ آگاهی ها به نظر می آید تاکنون در تربیت انسان ها مراعات نشده است و اکثریت مریبان از آن بی اطلاع بوده اند (همان). دانش تربیت اگر از سرچشمه اصیلی گرفته شده باشد، با خود چنین بصیرتی به عناصر و عوامل تربیت به همراه خواهد داشت. به همین جهت، در تعبیر حضرت امیر (ع) دانشی برای مربی مدنظر است که به وسیله آن به بصیرت دست یافته و روح یقین را دریافته باشد «هَجَمَ بِهِمُ الْعِلْمُ عَلَى حَقِيقَةِ الْبَصِيرَةِ وَبَاشَرُوا رُوحَ الْيَقِينِ». چنین دانشی در خدمت به خدا و راهیابی به سمت خداوند متعال تأثیرگذار است. امام علی علیه السلام می فرماید: «یا مُؤْمِنُ إِنَّ هَذَا الْعِلْمَ وَالْأَدَبَ تَمَنُّ نَفْسِكَ فَاجْتَهِدْ فِي تَعَلُّمِهِمَا، فَمَا يَزِيدُ مِنْ عِلْمِكَ وَادَّبِكَ يَزِيدُ فِي تَمَنِكَ وَقَدْرِكَ، فَإِنَّ بِالْعِلْمِ تَهْتَدِي إِلَى رَبِّكَ وَبِالْأَدَبِ تَحْسِنُ خِدْمَةَ رَبِّكَ وَبِالْأَدَبِ الْخِدْمَةُ يَسْتَوْجِبُ الْعَبْدُ وَلَايَتَهُ وَقُرْبَهُ، فَاقْبَلِ النَّصِيحَةَ كِي تَنْجُوَ مِنَ الْعَذَابِ: ای مؤمن! به تحقیق این دانش و ادب بهای جان توست پس در آموختن آن دو بکوش که هرچه بر دانش و ادب افزوده شود، بر قیمت و قدر آن افزوده می شود؛ زیرا با دانش به پروردگارت راه می یابی و با ادب به پروردگارت خوش خدمتی می کنی و

با ادب در خدمت‌گزاری، بنده سزاوار دوستی و نزدیکی به او می‌شود» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ۱۸۰).

صبر و استقامت

ادای رسالت مربیگری در گروی استقامت و پایداری است. کسی می‌تواند حامل علوم الهی و مربی تربیت انسان‌ها باشد که سعه‌صدر داشته باشد. حضرت درباره این ویژگی می‌فرماید: «اسْتَلَانُوا مَا اسْتَوْعَرَهُ الْمُتَرَفُّونَ: آنان آنچه را دنیاپرستان و خوشگذاران‌ها دشوار می‌شمارند، آسان گرفتند». مرتب‌ترین تربیت نیافته است و ممکن است موجبات رنج مربی را فراهم کند. در این مواقع است که صبر و استقامت به‌عنوان یکی از صفات مربی حائز اهمیت خواهد بود. قرآن به‌صراحت پیغمبر اکرم (ص) را در مسیر تربیت امت به صبر و استواری سفارش می‌کند: «وَاسْتَقِمَّ كَمَا أُمِرْتَ: استوار باش چنانکه به آن مأمور شده‌ای» (هود/۱۱۲). مربی که در راه خدا استقامت به‌خرج می‌دهد مورد امداد و عنایت خداوند قرار می‌گیرد و این وعده الهی است که فرموده است «وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ: و یاری مؤمنان، همواره حقی است برعهده ما» (روم/۴۷).

شهامت

شهامت صلاحیت روحی لازم یک مربی است. «أَنْسُوا بِمَا اسْتَوْحَشَ مِنْهُ الْجَاهِلُونَ؛ با آنچه که ناآگاهان از آن هراس داشتند، انس گرفتند». سخت‌ترین مرحله در دوران تربیت پیامبر اکرم (ص) تغییر و تصرف در عقیده عرب‌ها و مشرکان بود. زیرا آنان افرادی غالباً متعصب و بعضاً عنود بودند، با این وجود، پیامبر اکرم (ص) با شهامت فراوان با این عقاید به‌مقابله برخاستند و به‌تدریج عرب جاهلی بدوی را به بهترین و شریف‌ترین انسان‌ها تبدیل کردند. «انسان به اندازه شهامتی که دارد، نفوذ پیدا می‌کند. یعنی هر اندازه فاصله بگیرد، حذر کنند، غصه بخورد، صدمه بخورد، باخته است» (صفایی حائری، ۱۳۸۷: ۶۶). در راه تربیت به‌صرف این‌که، اسباب ظاهری فراهم نیست، نباید عقب کشید «لَا تَسْتَوْحِشُوا فِي طَرِيقِ الْهُدَى لِقَلَّةِ أَهْلِهِ» (مازندرانی، ۱۳۸۲، ج ۹: ۱۷۳). مربی با ایمان و اعتقادی که به درستی مقصد و مقصود خود دارد، با همه وجود باید آن را ببیند، این منطق امیرالمؤمنین (ع) است. منطقی شجاعانه که آن را در زندگی خود به‌کار بسته و بدان توصیه فرموده‌اند.

نتیجه گیری

تربیت، فعالیتی هدف‌مند و دوسویه میان مربی و متربی است. اگر تعبیر «دعاه الی الله» در کلام امیرالمؤمنین (ع) را محور فعالیت‌های مربی در این رابطه دوسویه بدانیم، تربیت دینی به معنای تربیت برای دین و در خدمت اهداف دینی یعنی در مسیر قرب‌الهی (الی الله) خواهد بود. از سوی دیگر (در رابطه با قلمرو تربیت دینی) باتوجه به آنکه امام (ع) وظیفه مربی را صرف انتقال معارف دینی نمی‌دانند، بلکه ملکه‌شدن آموزه‌های دینی را جزو فرایند تربیت می‌شمارند «يَزْرَعُوهَا فِي قُلُوبِ أَشْبَاهِهِمْ»، کارکردهای مربی منحصر در آموزش مفاهیم دینی نیست، بلکه به‌شاکله‌رساندن و تلاش برای ملکه‌کردن آموزه‌های دینی، جزو نقش‌های حرفه‌ای مربی است. به‌علاوه این کارکردها منحصر در رشد بعد اعتقادی و یا عبادی و مناسکی متربی نیست، بلکه شامل هرگونه تلاش هدف‌مند جهت سوق‌دادن متربی در ابعاد مختلف شخصیتی (فردی، اجتماعی، عبادی، اعتقادی، سیاسی و...) به سمت هدف غایی تربیت دینی نیز محسوب می‌شود.

براساس سیر منطقی فرایند تربیت و پیش‌نیازبودن برخی مراحل آن بر برخی دیگر، سه مرحله اخذ، انتقال و مراقبت فرایند کلی این تعامل دوسویه مربی و متربی در کلام امام (ع) است که در هر مرحله، مربی وظایف و کارکردهایی دارد. در مرحله اخذ، تربیت‌شناسی رکن اساسی و پیش‌نیاز مراحل بعدی تربیتی است که متوجه شرایط مطلوب مربی در ساحت علمی است. انتقال معارف دینی در این فرایند، نیازمند بهره‌گیری از اسلوب روش‌مند و کارآمد است که با تحلیل کلام امام (ع) این نتیجه حاصل شد که مطلوب‌ترین شیوه انتقال معارف توجه به ابعاد اصیل وجود انسان و فرایند شکل‌گیری رفتارهای اختیاری است. براین اساس، سه دسته روش شامل: عقلانی استدلالی، عاطفی احساسی و روش‌های رفتارساز از کلام امام (ع) استنباط شد.

با بررسی بخش دیگری از کلام امام این نکته اساسی کشف شد که شایستگی‌های مربی تربیت دینی منحصر در ساحت شناختی نیست، بلکه آنچه مورد تأکید امام (ع) است، صلاحیت‌های اخلاقی و روان‌شناختی مربی است. این صلاحیت‌ها به دو شیوه تبیین شده است که نشان می‌دهد از یک سنخ نیستند و در یک مرتبه قرار نمی‌گیرند. برخی ناظر به آفات و رذائل اخلاقی در مسیر انجام رسالت مربیگری دینی و برخی ناظر به شرایط مطلوب مربی تربیت دینی است. این صلاحیت‌ها را می‌توان به دو دسته سلبی و ثبوتی تقسیم نمود.

باتوجه به جمیع یافته‌ها پیشنهاد می‌شود، صلاحیت‌های مذکور که برخی از آنها برای نخستین بار معرفی شدند، در برنامه‌های آموزش مربی تربیت دینی در مراکز مختلف از جمله دانشگاه فرهنگیان، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، گروه‌های علوم تربیتی و خاصه فلسفه تعلیم و تربیت ورود پیدا کند و با عنوان راهنمایی نظری و عملی به نومریان عرضه گردد. همچنین می‌توان با برگزاری کارگاه‌های آموزشی صلاحیت‌ها را برای مربیان باسابقه نیز بازگو کرد. در صورت آموزش صلاحیت‌ها می‌توان به اثربخش‌تر شدن تربیت دینی و افزایش "معرفت، محبت و اطاعت" متریان از خداوند امیدوارتر شد؛ چراکه مربی به‌عنوان یک راهبر، نقشی اساسی در هدایت به سوی قرب الهی دارد. نتایج پژوهش‌هایی مانند رحمان‌پور و میرشاه‌جعفری (۱۳۹۵)، نجفی، مقدم‌زاده و وفائی (۱۳۹۲)، حمیدزاده (۱۳۸۷)، کشاورز (۱۳۸۷)، رهنما، طباطبائی و علیین (۱۳۸۵)، بناری (۱۳۸۰) به وجود آسیب‌های جدی در مربیان تربیت دینی به‌خصوص عدم تجهیز آنان به صلاحیت‌های حرفه‌ای معطوف شده است.

منابع

قرآن کریم.

- نهج البلاغه (۱۴۱۴ق)، گردآوری محمدبن حسین شریف‌الرضی، تصحیح صبحی صالح، قم: هجرت.
- ابن بابویه قمی، محمدبن علی بن حسین (۱۳۶۲)، الخصال، علی‌اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین.
- ابن منظور، محمدبن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان‌العرب، بیروت: دارالصادر.
- اعرافی، علی‌رضا (۱۳۹۳)، نقش نخبگان دینی در تربیت دینی، دوفصلنامه اسلام و پژوهش‌های تربیتی، ۶ (۱): ۴۴ - ۲۵.
- انیس، ابراهیم؛ منتصر، عبدالحلیم؛ صوالحی، عطیه و احمد، محمدخلف (۱۳۸۷)، المعجم الوسیط، تهران: اسلامی.
- باقری، خسرو (۱۳۸۹)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، جلد اول و دوم، تهران: مدرسه.
- بناری، علی‌همت (۱۳۸۰)، نگاهی به عوامل آسیب‌شناسی تربیت دینی نوجوانان و جوانان (باتأکید بر عوامل آسیب‌زا در نظام آموزش و پرورش، دوفصلنامه تربیت اسلامی، ۳ (۲): ۱۸۶ - ۱۷۱.
- بناری، علی‌همت (۱۳۸۳)، نگرشی بر تعامل فقه و تربیت، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره).
- بهروز، زهرا و توسلی، طیبه (۱۳۹۴)، تقدم تزکیه بر تعلیم و انعکاس آن در ویژگی‌های مربی و معلم از دیدگاه اسلام، فصلنامه پژوهشنامه تربیت تبلیغی، ۳ (۵): ۱۷۶ - ۱۴۹.
- تمیمی آمدی، عبد الواحدبن محمد (۱۴۱۰ق)، غررالحکم و دررالکلم، تصحیح مهدی رجائی، قم: دارالکتاب اسلامی.

- جعفری تبریزی، محمدتقی (۱۳۹۰)، ارکان تعلیم و تربیت، تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- الجوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۴ق)، **الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة**، بیروت: دارالعلم.
- حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، **وسائل الشیعه**، قم: مؤسسه آل‌البیت (ع) لاحیاء التراث.
- حسنی بافرانی، طلعت و حیاتی، طیبه (۱۳۹۶)، اصول حاکم بر فرایند تربیت از منظر تفسیر من وحی القرآن و التحرير و التنویر، **فصلنامه مطالعات تفسیری**، ۸ (۳۱): ۱۵۰ - ۱۳۳.
- حمیدزاده، محمدصادق (۱۳۸۷)، آسیب‌شناسی تربیت دینی باتأکید بر مفهوم دینداری. **فصلنامه انسان‌پژوهی دینی**، ۵ (۱۶): ۱۶۶ - ۱۴۵.
- داوودی، محمد (۱۳۸۶)، **تربیت دینی**، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- داوودی، محمد (۱۳۸۸)، تأملی در معنای تربیت دینی و نسبت آن با مفاهیم نزدیک، مجموعه مقالات همایش تربیت دینی در جامعه اسلامی معاصر، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- داوودی، محمد (۱۳۹۵)، **نقش معلم در تربیت دینی**، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، **لغتنامه**، تهران: دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد (۱۴۱۶ق)، **معجم مفردات الفاظ قرآن**، تهران: المکتبه المرتضویه.
- رحمان‌پور، محمد و میرشاه‌جعفری، ابراهیم (۱۳۹۵)، آسیب‌های تربیت دینی و ارائه راهکارهای مناسب از دیدگاه صاحب‌نظران با رویکرد برنامه‌ریزی درسی، **فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی**، ۲۴ (۳۲): ۵۲ - ۳۱.
- رهنما، اکبر؛ طباطبائی، فرزانه و علین، حمید (۱۳۸۵)، آسیب‌شناسی تربیت دینی دانش‌آموزان از دیدگاه مدیران مدارس راهنمایی شهر تهران، **دوفصلنامه پژوهش‌های آموزش و یادگیری**، ۱ (۲۱): ۵۴ - ۴۳.
- زارغان، محمدجواد (۱۳۷۹)، **تربیت دینی**، تربیت لیبرال، ماهنامه معرفت، ۳ (۹): ۱۵ - ۸.
- زیبیدی، محمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، **تاج العروس**، بیروت: دارالفکر.
- سبحانی، جعفر (۱۳۸۷)، **مربی نمونه**، قم: بوستان کتاب.
- سلیمانی، محمد (۱۳۹۰)، **نقش الگوها در تربیت انسان**، مشهد: ضریح آفتاب.
- سند معرفی گرایش تربیت دینی** (۱۳۸۶)، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- شبییری، سوده (۱۳۹۲)، **بررسی عناصر نقش مربی در ایجاد طلب و شوق در انتخاب‌گری انسان بر مبنای آیات قرآن و روایات و در وادی عمل، برای کودکان**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی.
- شهریاری، روح‌الله (۱۳۹۳)، **جنگ روانی در عصر علوی**، ماهنامه میلغان، ۱۵ (۱۷۷): ۴۶ - ۳۵.
- صادق‌زاده قمصری، علی‌رضا (۱۳۸۰)، **راهنمای برنامه درسی تعلیمات دینی دوره دبیرستان و پیش‌دانشگاهی در بوته نقد**، مجموعه مقالات تربیت اسلامی، کتاب ششم، تهران: مرکز مطالعات اسلامی.

- صفایی حائری، علی (۱۳۸۷)، *خط انتقال معارف*، قم: ليله‌القدر.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۴۰۴ق)، *نهایه الحکمه*، قم: مؤسسه نشر اسلامی جامعه مدرسین.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۸۹)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- عسکری، سیدمرتضی (۱۳۸۹)، *نقش ائمه در احیای دین*، قم: علامه عسکری.
- عمید، حسن (۱۳۹۳)، *فرهنگ فارسی عمید*، تهران: بین الملل.
- فراهیدی، خلیل‌بن‌احمد (۱۴۰۸ق)، *العین*، جلد اول، بیروت: مؤسسه الاعلمی.
- فقیهی، سیداحمد (۱۳۹۳)، *روش‌های تربیت اخلاقی در المیزان*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- کشاورز، سوسن (۱۳۸۷)، *شاخص‌ها و آسیب‌های تربیت دینی*، *دوفصلنامه تربیت اسلامی*، ۳ (۶): ۹۳ - ۱۲۲.
- کهوکهر، غلامعلی (۱۳۸۴)، *ویژگی‌های مربی در اسلام*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه جامعه المصطفی العالمیه.
- مازندرانی، محمد صالح‌بن‌احمد (۱۳۸۲ق)، *شرح الکافی: الأصول و الروضة*، محقق ابوالحسن شعرانی، تهران: المكتبة الإسلامية.
- ماهرزاده، طیبه (۱۳۹۲)، *جهانی‌شدن و هویت‌یابی دینی نوجوانان*، *دوفصلنامه تربیت اسلامی*، ۸ (۱۶): ۱۶۲ - ۱۳۹.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، *بحارالانوار*، بیروت: الوفا.
- محدث نوری، حسین (۱۴۰۸ق)، *مستدرک الوسائل*، قم: آل‌البیت.
- محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۷۷)، *میزان‌الحکمه*، قم: دارالحديث.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۴ الف)، *آموزش عقاید (دوره سه‌جلدی در یک مجلد)*، تهران: بین‌الملل.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۴ب)، *به‌سوی خودسازی*، نگارش کریم سبحانی، تهران: بین‌الملل.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۶)، *خودشناسی برای خودسازی*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱)، *اخلاق در قرآن*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۸)، *نقش تقلید در زندگی انسان*، نگارش کریم سبحانی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۹)، *عبرت‌های خرداد*، نگارش علی‌رضا تاجیک و سیدحسین شفیعی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مصباح یزدی، محمدتقی؛ فتحعلی، محمود؛ مصباح، مجتبی و یوسفیان، حسن (۱۳۹۱)، *فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

- مصطفوی، حسن (۱۴۱۶ق)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت ارشاد.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۵)، حماسه حسینی، تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۰)، ده گفتار، تهران: صدرا.
- معین، محمد (۱۳۸۷)، فرهنگ فارسی، تهران: دبیر.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۲)، پیام امام امیرالمؤمنین (ع): شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغه، قم: امام علی بن ابی طالب (ع).
- موسوی نسب، محمدصادق (۱۳۹۰)، طراحی و تبیین الگوی عمومی تربیت دینی بزرگسالان در قرآن با تأکید بر وظایف مربی، دوفصلنامه اسلام و پژوهش‌های تربیتی، ۳ (۲): ۳۶ - ۵.
- نجفی، حسن (۱۳۹۸)، نظام آموزشی و برنامه درسی ایتالیا، در کتاب مطالعات تطبیقی در برنامه درسی، تهران: آبیژ.
- نجفی، حسن؛ مقدم‌زاده، علی و وفائی، رضا (۱۳۹۲)، برنامه درسی تربیت دینی، چالش‌های کنونی و طرح راهکارهایی برای آینده، مجموعه مقالات دومین همایش ملی مدارس فردا، چالوس: دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس.

Alasania, Giuli, Gelovani, Nani (2011). Carnassale, Islam and Religious Education in Turkey. IBSU Scientific Journal. 5 (2): 35-50.

Sakaranaho, Tuula (2013). Religious Education in Finland. Temenos. 49 (2): 225-254.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی